

## بررسی مواضع کشورهای ساحلی دریای خزر در تقسیم آن با تأکید بر منافع ایران

دکتر مهدی ابراهیمی

استاد یار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

جعفر گنجعلی

عضو هیئت علمی گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مائده اسماعیلی

دانشجوی جغرافیا و برنامه ریزی شهری گرایش نوسازی بهسازی، دانشگاه پیام نور، اصفهان

### چکیده:

دریای خزر که گاهی به عنوان بزرگترین دریاچه جهان و گاهی کوچکترین دریای خودکفای کره زمین طبقه‌بندی می‌شود به دلایل مختلف از جمله موقعیت ژئواستراتژیکی مهم و قابل توجه، وجود منابع غنی نفت و گاز و منابع نادر جاندار شامل انواع ماهیان خاویاری و غیر خاویاری و نیز امکان استفاده از این دریا برای حمل و نقل کالا و مسافر و همچنین وجود مشکلات ناشی از آلودگی‌های کشاورزی صنعتی و شهری؛ از اهمیت زیادی برخوردار است. مقدمه هر نوع بهره برداری و همکاری در استفاده از ظرفیت های این دریا، و تعیین وظایف کشورهای ساحلی در حل مسائل این دریا با مشخص شدن وضعیت حقوقی آن مرتبط است. بحث تسهیم دریای خزر و رژیم حقوقی آن سال هاست که بین کشورهای حوزه این دریا در جریان است و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افزایش تعداد کشورهای ساحلی از ۲ به ۵ کشور، از حساسیت و پیچیدگی های بیشتری برخوردار گردیده و هر یک از کشورهای ساحلی با هدف سهم بری بیشتر، دیدگاه ها و ایده هایی را مطرح و دنبال می کنند که در این مقاله به بررسی آنها پرداخته شده است. این مقاله به لحاظ ماهیت توصیفی- اسنادی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی است و اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه ای گرد آوری شده است.

کلید واژه: دریای خزر، تقسیم خزر، رژیم حقوقی، کشورهای ساحلی خزر

نویسنده مسئول: مائده اسماعیلی، دانشجوی جغرافیا و برنامه ریزی شهری گرایش نوسازی بهسازی، دانشگاه پیام

نور، اصفهان

ایمیل: Esmaili748@gmail.com

## مقدمه:

دریایی که ما در ایران آن را دریای خزر می نامیم در خارج از ایران به نام کاسپین یا دریای قزوین شناخته می شود. (جوادی ۱۳۷۵ : ۲). دریای خزر، بزرگترین دریاچه ی درون خشکی در کره ی زمین، از شمال به جنوب، دارای طول ۱۲۰۴ کیلومتر، میانگین پهنای ۳۲۰ کیلومتر، و محیطی برابر ۶۵۰۰ کیلومتر است. این دریاچه نتیجه ی خشک شدن و تجزیه ی دریای بزرگ "تتیس" است. مساحت آن ۳۷۶۰۰۰ کیلومتر مربع و حدود ۲۸ متر پائین تر از سطح آب دریاهای آزاد واقع است. از این وسعت کرانه ای ۱۹۰۰ کیلومتر به قزاقستان، ۸۲۰ کیلومتر به آذربایجان، ۶۶۰ کیلومتر به ایران، ۱۳۵۵ کیلومتر به روسیه و ۱۷۷۰ کیلومتر به ترکمنستان تعلق دارد (آقایی ، ۱۳۷۴: ۴۴) حجم آب این دریای بسته نیز ۷۸۷۰۰ کیلومترمکعب است. از حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون سال پیش به تدریج راه این دریا ابتدا به اقیانوس آرام و سپس به اقیانوس اطلس بسته شد. در سال ۱۹۵۲، شوروی رود دُن و ولگا را با ایجاد آبراهی مصنوعی به هم پیوست تا کشتی های کوچک بتوانند از دریای خزر به دریای آزوف و دریای سیاه حرکت کنند. بدینسان دریای خزر دوباره به دریاهای آزاد راه یافت (www.fa.wikipedia.org). این دریاچه از دریاچه سوپریور که دومین دریاچه بزرگ دنیا است ۵ برابر وسیع تر است و عمق آن از شمال به جنوب افزایش می یابد. عمق این دریاچه در ناحیه شمالی به طور متوسط کمتر از ۱۰ متر، در بخش میانی بین ۱۸۰ تا ۷۸۸ متر و در بخش جنوبی که آب های ساحلی ایران را تشکیل می دهد به ۹۶۰ تا ۱۰۰۰ متر می رسد. جهت جریان آب این دریاچه از سمت شمال غرب به جنوب شرق است. همین جهت جریان و عمق زیاد آب در سواحل ایران که باعث کندی حرکت جریان می شود منجر به تجمع انواع آلودگی های این دریاچه در سواحل ایران به میزانی بیش از سواحل سایر کشورها می شود. حدود ۱۳۰ رودخانه به دریای خزر می ریزند که اکثر آن ها از شمال غربی به دریا می پیوندند. بزرگترین آن ها رود ولگا است که هر سال به طور میانگین ۲۴۱ کیلومتر مکعب آب را وارد دریای خزر می کند. رودهای کورا ۱۳، اترک ۵، اورال ۱، ۸ و سولاک ۴ کیلومتر مکعب آب را سالانه وارد دریا می کنند. ( همان منبع )

مطالعات انجام شده، عواملی نظیر آلودگی های وارده به دریای مازندران از طریق رودخانه هایی که از سمت خشکی به دریا جریان دارند را یکی از علل آلودگی این دریا و کاهش ماهیان شیلاتی می دانند. رود ولگا و رودخانه های غرب آن که از جمهوری آذربایجان سرچشمه می گیرند موجب هشتاد درصد از آلودگی های این دریا است. از دیگر عوامل آلودگی دریای مازندران که عمدتاً منشاء دریایی دارد، عملیات بهره برداری و اکتشاف منابع نفت و گاز است. سالانه پانزده هزار تن نفت فقط از حوضچه های نفتی جمهوری آذربایجان وارد این دریاچه می شود. صید بی رویه، رشد بی رویه شیوه صیادی دام گستر در بعد از انقلاب، تخریب تالاب های منطقه، تخریب محیط طبیعی رودخانه های محل تخم ریزی ماهیان در اثر اجرای طرح های بدون ارزیابی زیست محیطی و نیز آلودگی های وارده از جانب خشکی به دریا را می توان دیگر مشکلات منابع آلاینده خزر ذکر کرد. همه عوامل فوق موجب شده است که میزان صید هفتصد هزار تن در سال ۱۳۱۲ به پانصد هزار تن در حال حاضر برسد .

این دریا، محیط زیست گرانبها ترین ماهی های دنیا است. در بخش جنوبی دریای مازندران و رودخانه هایی که به آن می ریزند یعنی سواحل مربوط به ایران ۷۸ گونه و زیرگونه ماهی یافت می شود. دریای مازندران یکی از منحصر به فردترین

اکوسیستم های آبی جهان بوده که محیطی مناسب برای زندگی و رشد مرغوب ترین ماهی های خاویاری جهان است. ۹۰ درصد صید ماهیان خاویاری مختص به این دریا است. (www.irani.at).

دریای خزر یا دریاچه مازندران بین پنج کشور ساحلی آن: ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و جمهوری آذربایجان محصور است. در طول تاریخ اسامی متفاوتی بر این پهنه آبی اطلاق شده است که به طور عمده منتسب به نام قوم و قبیله های ساکن اطراف آن بوده و یا اینکه از نام مناطق و شهرهای اطراف آن گرفته شده است (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: صص ۹-۱۶). دریای خزر از نظر موقعیت جغرافیایی بین اروپا و آسیا واقع شده است و همین امر موقعیت ترابری ویژه ای برای دریای مازندران به وجود آورده است. این دریاچه در حقیقت شاهراه ارتباطی کشورهای شمال به شرق آسیا و هند است. مسیر ترانزیت کالای شمال جنوب از شهر هلسینکی فنلاند شروع شده و پس از عبور از خلیج فنلاند و بنادر و سرزمین های داخلی روسیه به طرف دریای مازندران و پس از عبور دریای مازندران به خلیج فارس منتهی می شود. راه ترانزیت شرق - غرب (کریدور ترانس قفقاز) نیز یکی دیگر از مسیرهای ترانزیتی مهم این دریاچه است. مسیر شرق - غرب به وسیله خطوط کشتیرانی از دریای مازندران گذشته و بنادر باکو، ترکمن باشی و اکتائو را به هم متصل می کند.

بدین ترتیب مشاهده می شود که اهمیت این دریا با توجه به منابع و مشکلات آن فوق العاده است. در چنین شرایطی برای استفاده از منابع و بکارگیری ظرفیت ها و حل مشکلات آن، باید رژیم حقوقی آن مشخص شود. ابتدا باید دانست که دریای مازندران دریای بسته است. دریای بسته یعنی دریایی که بدون پیوند با دریاهای دیگر و به وسیله سرزمین دو یا چند کشور محاصره شده است و کشورهای غیرمجاز حق دخالت و شرکت در تعیین مسایل مربوط به این دریا را ندارند (بوداغ، ۱۳۷۴: ۱۲۰). بر اساس ماده ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲م حقوق دریاها در صورت نبود قانون جامع بین المللی توافقات کشورهای اطراف دریای بسته به عنوان قانون محسوب می شود (لو و چرچیل، ۱۳۷۷: ۵۵) همچنین ماده ۷۴ همین کنوانسیون در مورد فلات قاره، توافق کشورهای ساحلی را دارای اهمیت می داند (ممتاز، ۱۳۷۴: ۱۲۳) تعیین رژیم حقوقی این دریا باعث خواهد شد که کشورهای ساحلی از ثروت های موجود در آن به صورت منطقی و بدون رقابت های منفی استفاده نموده و برای حفظ منابع تجدید پذیر و حیات طبیعی آن همکاری موثرتری انجام دهند.

در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر تا کنون مطالعات زیادی انجام شده که در زیر به برخی از آن ها اشاره می شود:

(۱) اشرافی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان رژیم حقوقی دریای خزر به مطالعه ی دیدگاه های کشورهای همسایه و سابقه ی اختلاف در نظام حقوقی دریای خزر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در حوزه خزر ایران دارای سیطره و سلطه محسوس است و کشورهای ساحلی غیر از ایران و روسیه حوزه خزر را تبدیل به کانون مبادله انرژی کرده اند. بر این مبنا هرگونه تغییرات امنیتی و دفاعی در این حوزه حساس تبعات سنگین اقتصادی برای این کشورها به همراه خواهد داشت.

(۲) عبدی (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان رژیم حقوقی دریای خزر، به بررسی رژیم حقوقی دریای خزر با توجه به تغییراتی که در ساختار اتحاد شوروی (سابق) ایجاد شده پرداخته و به این نتیجه رسیده است که باید رژیم حقوقی مدون برای دریای خزر براساس موافقتنامه جدی بین دولتهای ساحلی تاسیس گردد و این موافقتنامه ها می بایستی تا آنجا که ممکن است، همه جانبه باشند.

۳) زین العابدین و یحیی پور (۱۳۸۸) در مقاله‌ی بررسی ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر به بررسی عوامل تاثیرگذار بر تحولات ژئوپلیتیک کشورهای حوزه دریای خزر می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که پس از فروپاشی شوروی (سابق) حوزه دریای خزر اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی پیدا کرده و کشورهای حوزه، نگرش‌های متفاوتی نسبت به این حوزه دارند. ایران و روسیه دو کشور قدرتمند در این حوزه، دارای استراتژی مستقل می‌باشند. اما سه جمهوری تازه استقلال یافته شوروی سابق (جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) دارای استراتژی متزلزل می‌باشند و سعی می‌کنند روابط خود را با کشورهای فرامنطقه‌ای برقرار کنند و علی‌رغم قرابت‌های جغرافیایی، فرهنگی و دینی با کشورهای منطقه تفاهم و توافق ندارند.

۴) کامران و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله‌ی رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر به بررسی سوابق معاهدات و قرار دادهای مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر و ملاحظات جمهوری اسلامی ایران در این زمینه پرداخته‌اند و در این تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که با ارائه مدل‌های ریاضی و آماری و با در نظر گرفتن مجموعه عوامل، می‌توان سهم واقعی ایران از دریای خزر را بیش از ۱۹ درصد در نظر گرفت.

۵) کریمی نیا (۱۳۸۸) در مقاله‌ی رژیم حقوقی دریای خزر به بررسی اهم موضوعات رژیم حقوقی دریای خزر، مهمترین اختلاف این کشورها، «دریا» یا «دریاچه» بودن آن، موقعیت جغرافیایی و مسأله میراث مشترک بشریت پرداخته و به این نتیجه رسیده است که دریای خزر از نظر بهره برداری منابع زنده دریایی و استحصال منابع کف و زیر بستر دریا، حوزه واحدی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، نوعی حاکمیت مشاع می‌تواند پاسخگوی تمام مسائل مربوط به دریای خزر باشد و کشورهای منطقه، زمانی می‌توانند منابع محدود خود را در خدمت توسعه و شکوفایی اقتصادی به کار گیرند که دریای خزر را به عنوان «دریای صلح و آرامش» مد نظر قرار دهند.

۶) دمیرچی لو (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان نگاه ایرانی به سیر تحولات رژیم حقوقی دریای خزر، به بررسی افکار و دیدگاه‌ها و نظرات مختلف در ارتباط با دریای خزر پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده است که به کارگیری و اجرای استراتژی‌های مناسب در سیاست خارجی مستلزم توجه ویژه به عامل تاثیرگذار و بسیار مهم "افکار عمومی" است و متقابلاً اطلاع رسانی شفاف و به موقع و دیپلماسی رسانه‌ای مناسب می‌تواند فضای مناسبی برای تصمیم‌سازی فراهم کند.

۷) احمدی پور و دیگران (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با نام پهنه آبی شمال ایران: خزر یا کاسپین، به مطالعه نام دریای شمال ایران در ادوار مختلف تاریخ و در متون کهن جغرافیایی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ایران حق دارد نامی مناسب و درخور شأن هویت هزاران ساله ایرانی بر این دریا بگذارد تا منافع ملی خود را تامین کند و پیشنهاد می‌دهد از نام دریای کاسپین به جای دریای خزر استفاده شود.

### ضرورت تحقیق

اهمیت ژئواکونومیک خزر بیش از هر چیز حول و حوش ذخایر انرژی آن می‌گردد چراکه منطقه دریای خزر بعد از خلیج فارس و سیبری، سومین منطقه نفتی جهان لقب گرفته است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴) به طوری که امروزه مقدار ذخایر آن از ۱۷ تا ۲۵۰ میلیارد بشکه برآورد شده است. (www.magiran.com)

ذخایر انرژی دریای خزر برای مصرف کنندگان جذابیت خاصی دارد. به علاوه اتمام ذخایر نفتی خارج از منطقه خلیج فارس در آینده‌ای نزدیک و نیز رشد اقتصادی قابل ملاحظه اقتصاد کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا که تقاضای انرژی را بالا می‌برد، آنها را برای دستیابی به منابع خزر مصمم کرده است که این امر، عامل مهم توجه و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امر تقسیم و تعیین رژیم حقوقی خزر است. کشورهای قدرتمند دنیا تلاش می‌کنند در حوزه خزر حضور داشته باشند و در زمینه اکتشاف منابع و استخراج منابع امتیازات بیشتری بدست آورند. مناقشه ایران و آذربایجان، ممانعت آمریکا از عبور خطوط لوله انتقال منابع نفت و گاز از سرزمین ایران، نمونه‌هایی از تلاش بازیگران فرامنطقه‌ای در این منطقه می‌باشد. بنابراین، وجود منابع نفت و گاز و نقش این منابع در اقتصاد کشورهای ساحلی دریای خزر از یک سو و نیاز کشورهای توسعه یافته به انرژی از سوی دیگر موجب شده تا هر یک از کشورهای ساحلی مواضع متفاوتی مطرح سازند. ژئوپلیتیک منطقه خزر را نمی‌توان و نباید از منطقه وسیع‌تر آسیای مرکزی و قفقاز جدا ساخت. در واقع منطقه خزر حلقه اتصال میان ۵ کشور آسیای مرکزی و ۳ کشور قفقاز است. کشورهای ساحلی خزر بدون استفاده از راه‌های مواصلاتی ایران نمی‌توانند تجارت موفق با دنیا داشته باشند و این مسئله ناشی از موقعیت بی‌بدیل ایران بین دو حوزه بسیار مهم دریای خزر و خلیج فارس است. این موقعیت به لحاظ جغرافیایی چنان جایگاهی به ایران بخشیده که در حمل و نقل و تبادل کالا و خدمات، نقشی بی‌بدیل و غیر قابل همانندی دارد. در نتیجه ایران باید بیش از پیش به استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک خود بپردازد. (طاهری شمیرانی، ۱۳۷۸: ۴۵۸)

کشور جمهوری آذربایجان، عمده برداشت‌کننده منابع انرژی این دریا می‌باشد. در سال ۲۰۱۲، جمهوری آذربایجان روزانه ۸۹۰ هزار بشکه نفت از حوزه جغرافیایی خود در دریای خزر استخراج می‌کرد. رتبه‌های بعدی را ترکمنستان با ۴۶ هزار بشکه، روسیه با ۶ هزار بشکه و قزاقستان با ۳ هزار بشکه نفت، به خود اختصاص می‌دهند. این در حالی است که کشور ایران، در این منطقه هیچگونه برنامه عملی در خصوص برداشت نفت و گاز تدوین نکرده است و تنها به مطالعه و نقشه‌برداری اکتفا کرده است که دلیل آن را می‌توان در اتکای ایران به منابع عظیم و قابل اتکای نفت و گاز موجود در خلیج فارس عنوان کرد (سلسله نشست های پایگاه خبری تحلیلی انتخاب)

شکل شماره (۱) میزان برداشت هر کشور از ذخایر خزر



علاوه بر این فعالیت‌هایی کشتیرانی و ماهیگیری از جمله نگرانی دولتهای ساحلی در ارتباط با دریای خزر است. بنابراین برای ایران اهمیت دارد که سهمش از دریای خزر چقدر باشد؟ هم اکنون ایران بر سهم ۲۰ درصدی خود از خزر پا فشاری می‌کند اما بعضی از کشورها حاشیه دریای خزر سهم ایران را ۱۳ یا حتی ۱۱ درصد می‌دانند و از این جهت تعیین رژیم حقوق دریای خزر برای ایران از دیگر کشورهای ساحلی مهمتر است. (عبدی، ۱۳۹۰: ۳)

**مدل‌های کلی در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر**  
برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و تسهیم آن تا کنون راه‌های زیادی مطرح شده که در زیر به سه مدل مهم تر آن اشاره می‌شود:

**یک- تعیین مرزهای آبی بر اساس تقسیم کلی خزر به پنج حوزه مساوی بیست درصدی.** به دلیل آن که قزاقستان و ترکمنستان بیش‌ترین مرزهای آبی را در مقایسه با روسیه، ایران و آذربایجان دارند با این مدل موافق نیستند زیرا باید از بخشی از حوزه آبی مورد ادعای خود صرف نظر کنند.

**دو- تعیین مرزهای مشترک آبی در سطح به صورت مشاع بین همه کشورهای ساحلی و تقسیم بستر و زیر بستر بر اساس مرزهای ساحلی کشورهای مجاور دریای خزر.**

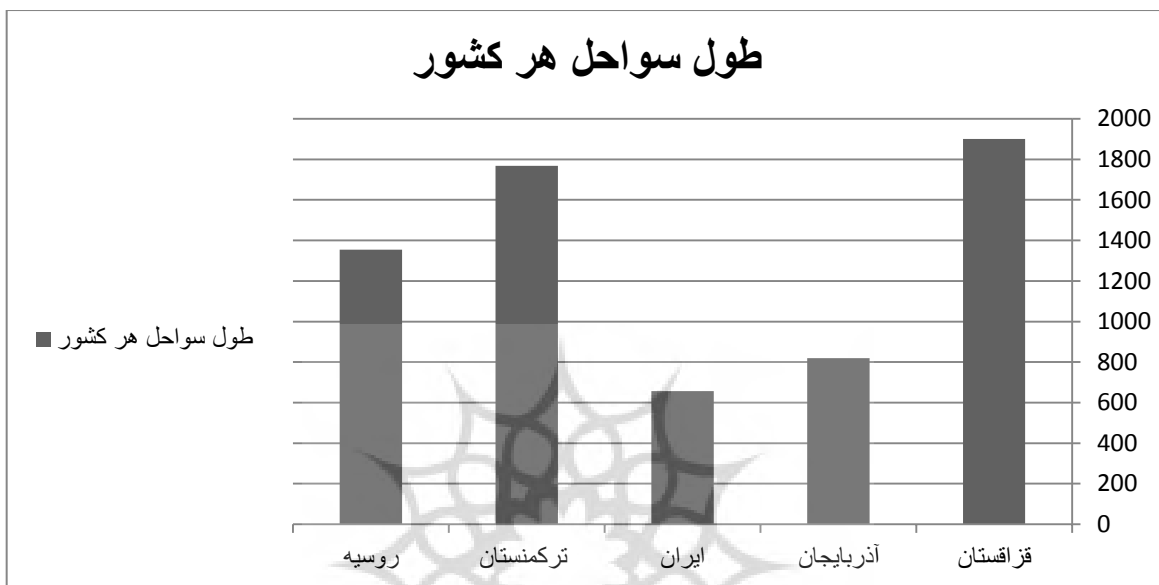
**سه- تقسیم بر اساس رژیم کاندومینیوم یا حاکمیت مشاع:** این رژیم در ساختار حقوق بین‌الملل چندان متداول نیست ولی از دید حقوق بین‌الملل، نظام حاکمیت و بهره‌برداری مشترک میان چند کشور از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری به رسمیت شناخته شده است. کاندومینیوم در مفهوم گسترده‌اش، گونه‌ای اشتراک و هم‌پیمانی میان کشورها در رابطه با یک

پهنه سرزمینی است که می‌تواند بر آیند دگرگونی‌ها و شرایط تاریخی میان دو یا چند کشور در گذشته یا متوجه آینده رژیم حقوقی آن پهنه سرزمینی باشد. گاهی نیز از رژیم کاندومینیوم با عنوان رژیم حقوقی «مالکیت مشترک» که در حقوق داخلی عنوان «مالکیت مشاع» دارد، یاد می‌شود. (یزدانی ۱۳۸۲: ۱۴۵)

پیشنهاد برقراری رژیم کاندومینیوم برای دریای مازندران بیشتر از سوی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان دنبال شده است. دولت روسیه تا ۱۹۹۸م در مواضع رسمی خود بر رژیمی مبنی بر بهره‌برداری مشترک از دریای مازندران تأکید می‌کرد. بر پایه رژیم مشاعی، هر پنج کشور در ذخایر فلات قاره دریای مازندران سهیم هستند و به گونه معمول بخشی از فلات قاره نزدیک سواحل هر یک از کشورها بخش اختصاصی آنها بوده و منابع آن تنها از آن کشور مربوط خواهد بود و آنچه می‌ماند، به هر پنج کشور تعلق خواهد داشت، اندازه بخش اختصاصی می‌تواند بر پایه تعاریف بین‌المللی یا روشی ویژه که مورد توافق پنج کشور باشد، تعیین شود. نکته مهم در این روش، چگونگی تقسیم منابع در بخش مشاع و نیز اندازه بخش اختصاصی است. (احمدی پور، ۱۳۷۶: ۴۰)

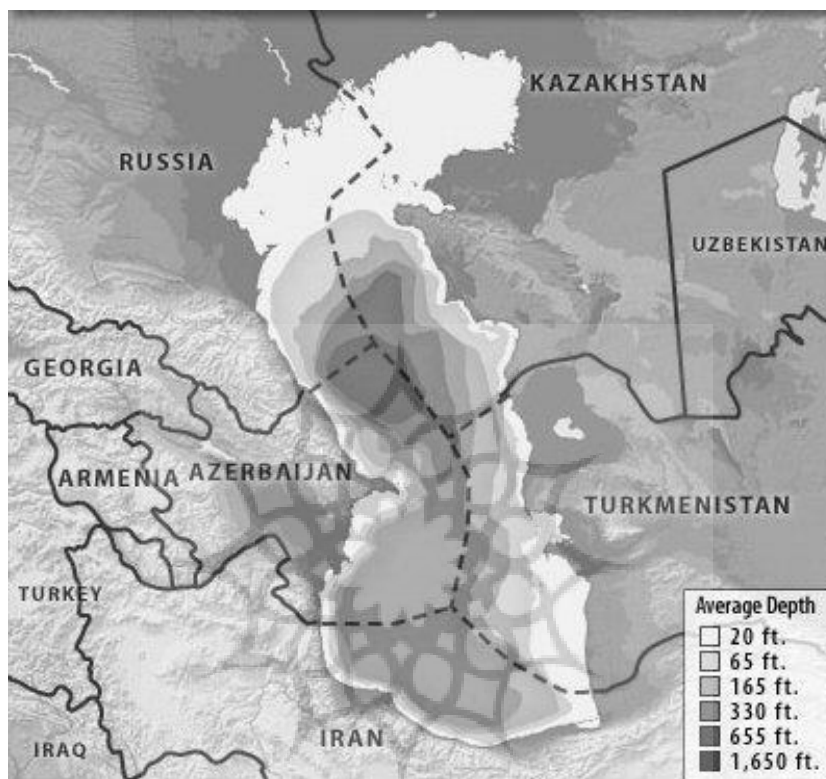
**چهار-** تعیین مرزهای دریایی بر اساس مرزهای ساحلی کشورهای همسایه خزر. این مدل هم به دلیل اختلاف نظرهای موجود که ناشی از وضعیت طبیعی خزر است که در نقاطی پیشروی آب در خشکی‌ها و در جاهای دیگر پیشروی خشکی‌ها در دریا را شامل می‌شود بین کشورهای ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان از یکسو و بین ترکمنستان و جمهوری آذربایجان از سوی دیگر اختلاف نظر وجود دارد. ضمن آن که در مورد تقسیم بستر و زیر بستر دریای خزر هم به دلیل منابع مشترک دریایی دشواری‌های بیش‌تری وجود دارد. ([www.baaser.ir](http://www.baaser.ir)) طول سواحل کشورهای پیرامون خزر به این شرح است: روسیه (۱۳۵۵ کیلومتر)، آذربایجان (۸۲۰ کیلومتر)، ایران (۶۵۷ کیلومتر) ترکمنستان (۱۷۶۸ کیلومتر) و قزاقستان (۱۹۰۰ کیلومتر). بنابراین کشورهای حاشیه دریاچه خزر از ساحل این دریا سهم متفاوتی دارند. بیشترین سهم متعلق به قزاقستان می‌باشد.

شکل شماره (۲) و (۳) طول ساحل کشورهای ساحلی خزر و سهم هر کشور از دریای خزر در صورت تقسیم بر اساس طول ساحل





شکل شماره (۴) موقعیت کشورهای ساحلی؛ عمق دریا و سهم کشورها از تقسیم بستر دریای خزر در صورت تقسیم بر اساس طول ساحل



دیدگاه‌های کشورهای همسایه در خصوص تقسیم دریای خزر  
 هر کدام از پنج کشور حاشیه دریای مازندران بر حسب منافع خود، راهکاری را جهت تنظیم نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر پیشنهاد می‌کنند. برخی از این کشورها خزر را دریا و برخی نیز دریاچه و یا دریاچه ای با ویژگی های خاص معرفی نموده و بر مبنای آن منافع خود را پیگیری می‌کنند. بر اساس اظهارات رسمی و غیر رسمی مقامات هر یک از این کشورها، مواضع آنها در خصوص خزر به شرح جدول شماره ۱ استنباط می‌شود.

جدول شماره (۱) خلاصه مواضع کشورهای ساحلی در خصوص تقسیم دریای خزر

نام کشور	تلقى دریا یا دریاچه از خزر	شرح مواضع و خواسته ها
آذربایجان	دریاچه	<p>آذربایجان قائل به تقسیم کلی دریاست و معتقد است که دریای خزر باید به مناطق ملی تقسیم شود و در هر منطقه ملی، دولت‌ها بدون هیچ قید و شرطی می‌توانند حاکمیت خود را اعمال نمایند.</p> <p>آذربایجان در فرو ریختن نظم دریای خزر از دیگران پیشی گرفت و با انکار صریح اعتبار رژیم حقوقی این دریا و با استناد به تغییر فاحش شرایط و احوال، مسأله تقسیم دریای خزر را مطرح ساخت و بدون انتظار هیچ جوابی به انعقاد قراردادهای نفتی پرداخت. اصل ۱۲ قانون اساسی جدید آذربایجان، دریای خزر را متعلق به جمهوری آذربایجان دانسته و حتی قلمرو هوایی آن را نیز از اجزاء تشکیل دهنده و لاینفک آذربایجان می‌داند.</p>
قزاقستان	دریا دریاچه (بینابین)	<p>قزاقستان خزر را دریاچه می‌داند تا با تحدید حدود به منابع غنی نفت خود چنگ اندازد و دریا می‌داند تا بتواند از طریق کانال‌های ولگا دن و ولگا بالتیک به دریاهای آزاد و به تعبیری یک ترانزیت ارزان کالاها دست یابد.</p> <p>قزاقستان دارای یک موافقت‌نامه در ۱۷ خرداد ۱۳۷۶ (۶ ژوئن ۱۹۹۸ م) درباره تحدید حدود مرزهای آبی با روسیه است. در آخرین بیانیه رهبران روسیه و قزاقستان در مهر ۱۳۷۹ (اکتبر ۲۰۰۰ م)، دو کشور به مینا بودن توافقات ۱۹۲۱ م و ۱۹۴۰ م تا تعیین رژیم حقوقی جدید که می‌بایست با توافق هر ۵ کشور باشد، اعتراف کردند. قزاقستان معتقد است که به لحاظ طولانی بودن مذاکرات حقوقی مناسب است که برای جلوگیری از انقراض نسل ماهیان اقدامات اکولوژیکی سریع‌تر صورت گیرد.</p>
روسیه	دریاچه یی منحصر به فرد با رژیم حقوقی منحصر به فرد	<p>رژیم حقوقی سطح آب می‌تواند مشاع باقی بماند. منظور از رژیم حقوقی سطح آب، امور مربوط به ماهی‌گیری، حمل و نقل، محیط زیست، فضای ماورا و امثال آن است.</p> <p>آنان معتقدند دریای خزر به طور حتم دریا نیست در واقع این برداشت روس‌ها دو جنبه دارد یکی آنکه کشورهای دیگر از مزیت کانال‌های ذکر شده بی بهره باشند و دیگر اینکه رژیم حقوقی دریا نیز که شامل آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت و منطقه انحصاری اقتصادی می‌شود و در نتیجه حاکمیت آنان را در دریای خزر محدود می‌کند نیز با عقاید آنان تناقض دارد.</p> <p>روس‌ها معتقدند دریای خزر به دلیل وسعت بسیار دریاچه نیز محسوب نمی‌شود. شاید این استدلال روس‌ها به آن دلیل است که از تحدید حدود آن جلوگیری به عمل آید. روس‌ها استدلال می‌کنند که تحدید حدود باعث می‌شود به اکوسیستم منطقه بشدت ضربه بزند. دولت‌های جدید الاستقلال حاشیه دریای خزر باید تا تعیین رژیم حقوقی جدید، پایبند مفاد عهدنامه‌های ۱۹۲۱ م و ۱۹۴۰ م باشند. بستر دریای خزر ثروتی عمومی و متعلق به همه کشورهای ساحلی حاشیه دریای خزر دانسته شده بود.</p>

نوار ۱۰ مایلی برای حاکمیت انحصاری کشورهای همجوار خزر در سواحل دریا مدنظر قرار گیرد. مواضع متناقض این کشور نیز همواره مشهود بوده است.		
<p>ایران نیز خزر را به عنوان یک دریاچه نمی پذیرد زیرا از لحاظ عقیده به آسیب پذیر بودن اکوسیستم این منطقه کاملا با روسیه موافق است. ایران خزر را بیشتر به عنوان یک دریا می شناسد. ایران بر موضوع تصمیم‌گیری و حل و فصل مسایل دریای خزر بر اساس "اتفاق آراء" تاکید دارد و معتقد است که رعایت این اصل الزامی است و تنها در این صورت است که کشورهای ساحلی به یک توافق پایدار نایل خواهند شد.</p> <p>ایران با تاکید بر لزوم توجه به "اصل انصاف" اعتقاد دارد که باید از شیوه‌های خاصی برای تقسیم استفاده کرد که به نتایج "منصفانه" منتج شوند. به هیچ عنوان نباید کشتی‌ها و شناورهای کشورهای ثالث در آن تردد نماید و اصولا کشتیرانی در این پهنه آبی صرفا با پرچم یکی از دول ساحلی امکان پذیر است.</p> <p>با تحدید حدود در آن کاملا مخالف است. منتهی اولاً در دریا مناطق مجزا باید مشخص باشند و دیگر اینکه منطقه انحصاری اقتصادی ۲۰۰ مایلی وجود داشته باشد. در حالی که دریای خزر روی عرض جغرافیایی ۳۸ درجه تنها ۲۰۰ مایل است. بنابراین امکان استفاده از ۲۰۰ مایل منطقه انحصاری اقتصادی برای همه دولت‌ها وجود ندارد با توافق طرفین، هر کشور می تواند منطقه انحصاری اقتصادی خود را ۴۰ یا ۵۰ مایل تعیین کند و فراتر از آن را به عنوان مشترکات عامه یا مشاع تلقی کند. این موضع ایران بیشتر برای حفظ شیلات آن است زیرا عمق دریای ایران بسیار زیاد است و لذا قبول مشترکات عامه فراتر از ده مایل (موضع روسیه) برای ایران نتایج خوبی ندارد. با این حساب ایران موضع خود را بر این قرار داده که با تکیه بر قراردادهای قبلی منطقه ماهیگیری را از ده مایل به بیست مایل افزایش یابد. چون در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ سخنی از منطقه انحصاری به میان نیامده است این مورد نیز در رژیم حقوقی جدید گنجانده شود.</p>	دریا(دریای بسته منحصر به فرد)	ایران
این کشور در ۱۳۷۶ (۱۹۹۷م) قراردادی برای تقسیم دریا بر اساس خط میانه با آذربایجان امضاء نمود. اما در عمل و بخصوص در مورد حوزه نفتی کاپاز با این کشور دچار اختلاف شد. این کشور پیشنهاد عرض ۴۵ مایلی برای استفاده انحصاری کشورها و بقیه آب‌ها مشترک، نموده است.	دریاچه	ترکمنستان

منبع: ( فرزین نیا ، ۱۳۸۵: ۲۱، هرمیداس باوند، ۱۳۸۷: ۳۰ ، مولایی: ۱۳۸۲: ۲۴ و ۳۳ ، میر فخرایی، ۱۳۸۳: ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۸، نوریان، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

### بررسی رژیم حقوقی دریای خزر قبل از فروپاشی شوروی

رژیم حقوقی دریای خزر به وسیله یک سری موافقت نامه‌ها، بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق ایجاد شده بود. این موافقتنامه‌ها فقط موضوعاتی همچون کشتیرانی و شیلات را در بر می‌گیرد و به دیگر موضوعات مربوط به دریای خزر نمی‌پردازد. برای مثال، این توافقات، مقررات مربوط به جلوگیری از آلودگی دریای خزر و حفاظت از محیط زیست دریای خزر را شامل نمی‌شود. همچنین، این موافقتنامه‌ها یک نظام برای نحوه بهره‌برداری از منابع موجود در بستر و زیر بستر دریا را ایجاد نمی‌نماید. علاوه بر آن، وجود مقررات قراردادی، خط تحدید حدود (خط مرزی) برای دریای خزر را معین نمی‌کند. (

عبدی، ۱۳۹۰: ۱۱) در ادامه عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌هایی که به نحوی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر سخنی به میان آمده بررسی می‌شود.

**عهدنامه گلستان:** به موجب فصل پنجم عهدنامه گلستان (۱۸۱۳ میلادی) کشتی‌های دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد می‌نمایند به دستور سابق مآذون (مجاز) خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها انجام شود. کشتی‌های جانب ایران هم به دستور سابق مآذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند و به همین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد. کشتی‌های عسکریه جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت با علم و بیرق در دریای خزر بوده اند محض دوستی اذن داده می‌شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولت‌های دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشد.

(www.mashreghnews.ir)

تاریخ امضای پیمان گلستان نقطه آغاز مسئله حقوقی دریای مازندران است زیرا تا قبل از آن هیچ قرارداد دو جانبه‌ای وجود نداشته است. بعد از پیمان ترکمنچای ایران اجازه‌ی کشتیرانی در دریای مازندران را از دست داد تا این که این حق را دوباره با لغو قراردادهای استعماری روسیه توسط دولت نوپای کمونیستی شوروی و معاهده بین ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ م و طبق ماده ۱۱ همین قرارداد کسب کرد (امیر احمدی، ۱۳۸۰: ۶۶)

**عهدنامه ترکمنچای:** در فصل هشتم عهدنامه ترکمنچای (۱۸۲۸ میلادی) آمده است که سفاین (کشتی‌های) تجارتی روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که به آزادی بر دریای خزر به طول سواحل آن سیر کرده به کناره‌های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتی‌های تجارتی ایران را استحقاق خواهد بود که به قرار سابق در بحر خزر سیر کرده، به سواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حال شکست کشتی به همان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت. در باب سفاین حربیه (کشتی‌های جنگی) که علم‌های عسکریه (پرچم‌های نظامی) روسیه دارند چون از قدیم بالانفرد استحقاق داشتند که در بحر خزر سیر نمایند، لهذا همین حق مخصوص کما فی السابق، به اطمینان به ایشان وارد می‌شود، به نحوی که غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمی‌تواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد. (www.mashreghnews.ir)

بعد از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سه موافقت‌نامه بین ایران و شوروی عقد شد. این موافقتنامه‌ها عبارتند از: پیمان دوستی (۱۹۲۱)؛ موافقتنامه تاسیس کشتیرانی و بازرگانی (۱۹۳۵)؛ موافقتنامه در خصوص کشتیرانی و بازرگانی (۱۹۴۰).

**موافقتنامه ۱۹۲۱:** در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م، دولت جدید انقلابی در روسیه که خود را به نام جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه می‌خواند با انعقاد عهدنامه‌ای کلیه محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در عهدنامه ترکمنچای را ملغی نموده و دو طرف توافق نمودند که ایران و روسیه در امر کشتیرانی در لوای پرچم‌های خود از حقوق برابر بهره‌مند خواهند شد. در فصل یازدهم این معاهده آمده است: نظر به این که مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه، عهدنامه منعقد ما بین ایران و روسیه در ترکمنچای نیز که فصل هشتم آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است، لهذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتیرانی آزاد در زیر بیرق‌های خود در بحر خزر را داشته باشند. به موجب فصل ۱۱ قرارداد ۱۹۲۱ م طرفین حق دارند در کلیه نقاط دریای مازندران بالسویه به

کشتیرانی آزاد پردازد. و هیچ‌گونه محدودیتی برای حرکت کشتی‌های طرفین در دریای مازندران وجود ندارد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰: ۱۵۷)

**موافقتنامه ۱۹۳۵:** طبق موافقتنامه ۱۹۳۵ میلادی، حق کشتیرانی برای دول غیر ساحلی در دریای خزر وجود ندارد. این استثناء در ماده ۱۴ موافقتنامه ۱۹۳۵ اینگونه آمده است: اعضای طرف قرارداد موافقت دارند که در هم سویی با اصولی که در معاهده بیست و ششم فوریه ۱۹۲۱ بین اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ایران تنظیم شده، تنها می‌بایستی در سرتاسر منطقه دریای خزر کشتی‌های متعلق به اتحاد جماهیر شوروی یا ایران یا اتباع یا سازمان‌های حمل و نقل یا تجاری یا طرف یا دو طرف قرارداد، که تحت پرچم اتحاد جماهیر شوروی یا ایران حرکت می‌کنند، وجود داشته باشد. (عبدی، ۱۳۹۰: ۱۲)

**موافقتنامه ۱۹۴۰:** معاهده ۱۹۴۰م با برابری رفتار نسبت به پرچم‌های دو کشور، اعمال حاکمیت مشترک را مورد تایید قرار می‌دهد؛ زیرا پرچم هر کشوری نماد حق حاکمیت آن دولت است و پذیرش اعمال و رفتار یکسان در قبال پرچم‌های هر دو کشور در دریای خزر، بیانگر این واقعیت است که دو کشور در پهنه آب‌های خزر دارای حق حاکمیت برابر هستند (قباد زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۸). در ماده ۱۲ بند ۴ موافقتنامه ۱۹۴۰ میلادی یک فاصله ۱۰ مایلی برای اهداف ماهیگیری مشخص شده است. و از آنجایی که، هیچ محدوده دیگری برای اهداف دیگر بیان نشده، این ممکن است بطور ضمنی بفهمنده که محدوده ۱۰ مایلی از طرف ساحل، آب‌های (داخلی) کشورهای ساحلی را تشکیل می‌دهد. مطابق با آن، اگر یک کشتی جنگی بخواهد در ورای محدوده این ده مایلی وارد شود، کسب اجازه قبلی از دولت ساحلی مربوطه لازم است. در ماده ۱۳ موافقتنامه ۱۹۴۰، همان مقررات قبلی تکرار شده است و بنابراین، همان رژیم کشتیرانی سابق را تصریح می‌نماید. نامه‌های ۲۵ مارس ۱۹۴۰ که بین سفیر اتحاد شوروی در ایران و وزیر امور خارجه مبادله شده است ناظر بر حقوق برابر دو کشور در زمینه کشتیرانی در دریای خزر است (طلایی، ۱۳۸۶: ۱۸)

#### بررسی رژیم حقوقی دریای خزر بعد از فروپاشی شوروی

تا قبل از فروپاشی، شوروی یک دولت واحد بود که شریک ایران محسوب می‌شد و مسأله تقسیم حاکمیت دریای خزر، بین جمهوری‌های ساحلی آن تا حد زیادی نادیده گرفته شده بود (تقوی اصل، ۱۳۸۴: ۲۲۵) اما بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آذر ماه ۱۳۷۰ موضوع تعیین تکلیف برای رژیم حقوقی جامع درباره کشورهای ساحلی دریای خزر در سطح مقام‌های دولتی پنج کشور ایران، روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان مطرح شد. کشورهای ساحلی برای حل و فصل مسائل دریای خزر بلافاصله پس از فروپاشی شوروی مذاکراتی را در سطوح مختلف آغاز کردند. سؤال اصلی این بود که آیا چهار دولت جدیدی که در سواحل خزر پدیدار شدند، جانشین دولت شوروی محسوب می‌شدند یا نه. قاعده کلی این است که وقتی دولت جدیدی در عرصه بین‌المللی ظهور می‌کند، بر اساس اصل «جانشینی دولت‌ها» متعهد به مفاد معاهداتی که دولت سلف خود منعقد کرده نمی‌باشد، زیرا دولت جدید طرف معامله نبوده و دلیلی هم بر الزام او بر این کار وجود ندارد. این اصل را «اصل عدم انتقال» یا «دکترین لوح پاک» می‌نامند که هم در مورد دولت‌های تازه استقلال یافته و هم در مورد دولت‌هایی که در اثر تجزیه یا ترکیب پدید می‌آیند صادق است. (شریفیان، ۱۳۸۵: ۱۲۷) در این مقطع مقام‌های روسیه و ایران از همان ابتدا تاکید داشتند تا زمان تعیین رژیم حقوقی جدید برای خزر، توافقنامه‌های مبنایی سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی به عنوان رژیم حقوقی این دریا معتبر شناخته شوند. در ادامه برای ایجاد رژیم حقوقی جامع تا کنون اجلاس‌ها و مذاکرات متعددی انجام شده است ولی تا کنون به موافقت نامه جامع و واحدی منجر نشده است.

کشورهای ساحلی در این شرایط متعهد شده اند برای دستیابی به اصول کلی توافق دو اقدام مهم انجام دهند: اول آن که هر پنج کشور توافق کردند به تلاش‌های خود در سطح کارشناسی و معاونان وزیران خارجه در اجلاس‌های سالانه ادامه دهند. دوم آن که هر پنج کشور توافق کردند تا زمانی که رژیم حقوقی دریای خزر نهایی نشده است از اجرای طرح‌های اکتشافی و استخراج منابع در سرزمین‌های مورد اختلاف پرهیز کنند و تنها در سواحل دریای خزر مربوط به مرزهای خشکی که مورد اختلاف نیست به فعالیت‌های استخراج منابع انرژی ادامه دهند. با این حال با طولانی شدن روند توافق‌ها، کشورهای ساحلی متقاعد شدند موضوع‌های مطرح در رژیم حقوقی دریای خزر را از همدیگر تفکیک کنند تا درباره مواردی که مورد اختلاف نیست و یا کمتر مورد اختلاف است سریع‌تر به توافق برسند. در همین چارچوب رهبران پنج کشور نشست‌هایی را جهت حل و فصل مشکلات حقوقی این دریا برگزار نموده اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱) نخستین نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر در آوریل سال ۲۰۰۲ (اردیبهشت ۱۳۸۱) در شهر عشق آباد پایتخت ترکمنستان برگزار شد. در این نشست سران درباره مبارزه با آلودگی محیط زیست در خزر و نیز راه‌های حفاظت از آب‌های این بزرگ‌ترین دریاچه جهان به یک تفاهم کلی رسیدند که طبق آن کنوانسیون محیط زیست خزر موسوم به «سند تهران» در چهاردهم آبان ۱۳۸۲ (پنجم نوامبر ۲۰۰۳) به امضای وزرای محیط زیست کشورهای ساحلی رسید. این سند بعدها به تصویب نهایی هر پنج کشور رسید و این در واقع اولین سند همکاری پنج جانبه بین کشورهای ساحلی خزر بود.

۲) نشست دوم سران در اکتبر سال ۲۰۰۷ (مهرماه ۱۳۸۶) در تهران برگزار شد و در این اجلاس پیشنهاد تهیه سند همکاری‌های امنیتی و نظامی برای مبارزه علیه افراط‌گرایی و تروریسم خزر مطرح و جمهوری آذربایجان عهده دار تنظیم متن پیشنهادی این سند شد. در واقع تنظیم موافقتنامه امنیتی پنج همسایه ساحلی خزر از تصمیم‌های مهم اجلاس سران کشورهای ساحلی این دریا بود. کشورهای ساحلی همچنین درباره موضوع ماهیگیری و حفاظت از آبزیان خزر و نیز حمل و نقل کشتی‌ها نیز در اصول کلی با یکدیگر به توافق رسیدند.

۳) در شهریور ماه ۱۳۸۸ رهبران همه کشورهای ساحلی دریای خزر جز ایران در قزاقستان گرد هم آمدند که یکی از دلایل عمده دعوت نشدن ایران به نشست پیشین سران کشورهای حوزه خزر این بود که در غیاب تهران، با دادن امتیازاتی به ترکمنستان، دولتمردان این کشور را متقاعد کنند رژیم حقوقی خزر را منهای ایران بپذیرد. سه کشور روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان بر تقسیم کف دریاچه به نسبت سواحل کشورها و همچنین استفاده مشترک از سطح آب برای کشتیرانی و حمل و نقل تأکید دارند، اما ایران و ترکمنستان این توافقنامه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. در نشست قزاقستان این سه کشور تصور می‌کردند با ترکیب چهار منهای یک، ایران مجبور به تمکین سیاست‌های آنها خواهد بود. این سناریو البته به بار نشست و ترکمنستان مواضع خود را بر سر مناطق مرزی موردنظر خود حفظ کرد.

۴) سومین نشست روسای جمهور پنج کشور ساحلی دریای خزر در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰ (آبان ۱۳۸۹) در باکو برگزار شد. در توافقنامه مذکور موضوعات، همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته، تجارت غیرقانونی سلاح و مهمات، مواد منفجره و مواد سمی، تجهیزات نظامی و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و مواد روانگردان قید شده است. در این توافقنامه، پنج کشور ساحلی دریای خزر همکاری خود را در بحث مبارزه با پولشویی از جمله پول‌های به دست آمده از راه‌های غیرقانونی و قاچاق، تأمین امنیت کشتیرانی دریایی، مبارزه با دزدی دریایی، مبارزه با قاچاق انسان، مهاجرت

غیرقانونی و شکار غیرقانونی، اعلام کردند. در این اجلاس موافقتنامه همکاری های امنیتی کشورهای ساحلی دریای خزر به امضای روسای جمهور پنج کشور رسید و نیز سران کشورهای ساحلی توافق کردند همکاری های خود را در زمینه تأمین امنیت دریانوردی در این دریا گسترش دهند. روسای کشورهای ساحلی همچنین تایید کردند بررسی های کارشناسی لازم برای تعیین عرض جغرافیایی و حدود حق حاکمیت پنج کشور عضو از دریای خزر انجام شود. بر اساس این تفاهمنامه، صید ماهیان خاویاری برای پنج سال ممنوع اعلام شد. (۵) چهارمین اجلاس سران خزر در هفت مهرماه ۱۳۹۳ برابر با ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۴ در آستاراخان روسیه برگزار گردید. این اجلاس با توجه به برگزاری در شهر آستاراخان روسیه - در دهانه رود ولگا در ساحل دریای خزر - به نشست آستاراخان موسوم شد. امضای «موافقتنامه حفاظت و استفاده بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر» در زمان برگزاری اجلاس سران در آستاراخان، با رضایت خاطر عمیق روبرو گردید. تأسیس « کمیسیون حفاظت و استفاده بهینه از ذخایر زنده آبی دریای خزر و مدیریت ذخایر مشترک» و ارائه اختیارات وسیع به آن، باعث ایجاد سازوکار موثر پنج جانبه برای تنظیم مسایل ماهیگیری در خزر، از جمله صید انواع ماهیان با ارزش می‌گردد. سازوکار هماهنگ شده تنظیم صید تجاری ماهیان خاویاری توسط کشورهای ساحلی خزر به حفظ گونه های منحصر به فرد آنها کمک خواهد کرد. موافقتنامه همکاری در زمینه هشدار در شرایط اضطراری و رفع آثار آن در دریای خزر که در جریان اجلاس سران به امضا رسید؛ به تعامل تنگاتنگ بین ادارات ذی صلاح مربوطه بر مبنای توافقات به عمل آمده و تجارت بین‌المللی، از جمله ایجاد سازوکار موثر واکنش به وضعیت های اضطراری در دریا کمک خواهد کرد. دیگر موضوعات مهم مورد توجه در این نشست عبارت بودند از:

۱- همکاری در زمینه مبارزه با داد و ستد غیرقانونی مواد مخدر و صید غیرقانونی میبذول داشتند و به نهادهای ذی صلاح دستور داده شد نسبت به توافق در خصوص پروتکل های موافقتنامه، اقدام نمایند.

۲- لزوم تحکیم همه جانبه مناسبات سنتی موجود در خزر از طریق توسعه همکاری های متقابلاً سودمند استان ها و مناطق علاقمند کشورهای ساحلی خزر، اجرای پروژه های مشترک جهانگردی، ورزشی و جوانان و همچنین گسترش تماس ها در چارچوب مراکز آموزشی و علمی خاطر نشان گردید.

در این نشست مقرر شد پنجمین اجلاس سران خزر در تاریخ مورد توافق در جمهوری قزاقستان برگزار شود. ( [www.shomalnews.com](http://www.shomalnews.com)) که این نشست هنوز برگزار نشده است.

در این نشست موافقت نامه های زیر به امضا رسید:

- «موافقت نامه همکاری در زمینه آب و هواشناسی دریای خزر»

- « پروتکل آمادگی، واکنش و همکاری منطقه ای در مقابله با سوانح آلودگی نفتی» مورخ ۱۲ آگوست سال ۲۰۱۱ ( اکتائو) « - پروتکل حفاظت از دریای خزر در برابر آلودگی ناشی از منابع و فعالیت های مستقر در خشکی» ۳۰ مه سال ۲۰۱۴ ( عشق آباد) الحاقی به کنوانسیون چارچوبی حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر مورخ ۴ نوامبر سال ۲۰۰۳ برابر ۱۳ آبان ۱۳۸۲ ( کنوانسیون تهران) ([www.shomalnews.com](http://www.shomalnews.com))»

در نشست آستاراخان؛ رژیم حقوقی خزر نهایی نگردید لیکن توافقات بسیار مهم و اثر گذار -والبته غیر قابل بازگشتی - در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر بدین شرح صورت گرفت:

۱. عرض منطقه حاکمیت ملی ۱۵ مایل دریایی؛ و عرض منطقه انحصاری ماهیگیری ۱۰ مایل (مجموعاً ۲۵ مایل) تعیین شد. توضیح اینکه رویه مرسوم در دنیا برای دریای سرزمینی یا منطقه حاکمیت ملی، ۱۲ مایل است. دریای خزر با ۱۵ مایل، یگانه دریایی است که ۳ مایل بیشتر از پهنه‌های آبی دیگر، منطقه حاکمیت ملی خواهد داشت.
۲. ما بقی دریا به عنوان "پهنه مشترک" تعیین شد که بین ۵ کشور مشترک خواهد بود.
۳. تصویب ممنوعیت حضور نیروهای نظامی کشورهای غیر ساحلی در دریای خزر می باشد. (www.farsnews.com)

### جمع بندی و نتیجه گیری

ویژگی های دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه کره زمین، باعث شده تا این دریا؛ به رژیم حقوقی منحصر به فردی نیاز داشته باشد و کنوانسیون حقوق دریاها، قابل تعمیم به آن نباشد. در این جا باید اذعان نمود که منافع کشورهای ساحلی دریای خزر به وضوح با نحوه تقسیم و رژیم حقوقی آن مرتبط است. منشا معرفی خزر به عنوان «دریا یا دریاچه» نیز همین منافع متفاوت است. در این بین کشورهای آذربایجان و ترکمنستان در درجه اول و پس از آن قزاقستان و روسیه به علت داشتن طول سواحل بیشتر و لاجرم سهم بزرگتری از تقسیم دریا تاکید دارند که خزر یک دریاچه و یا دریای بسته ویژه است. شایان ذکر است که بیشترین ذخایر نفتی و گازی دریای خزر نیز با این تلقی نصیب کشورهای پیش گفته به ویژه آذربایجان و ترکمنستان که در غرب و شرق این دریا قرار دارند می شود. بدین ترتیب منافع ایران با هر چهار کشور دیگر در تعارض قرار گرفته به طوری که اگر دریای خزر به عنوان یک دریاچه تلقی و به میزان طول سواحل؛ بین کشورهای ساحلی تقسیم گردد، کمترین سهم به ایران خواهد رسید. وضعیت ژئومورفولوژیکی و موقعیت و محل ذخایر فسیلی دریا نیز به شکلی است که با تقسیم دریا قسمت های بسیار عمیق دریا در بخش ایران قرار می گیرد که در آن نفت وجود ندارد و یا استحصال نفت در آینده (در صورت کشف) بسیار پرهزینه است. بدین ترتیب تعیین رژیم حقوقی دریای خزر برای ایران از حساسیت زیادی برخوردار است و باید با تعمق و کار کارشناسی صبورانه همراه باشد به نحوی که نه تنها منافع ایران را در حال حاضر تامین نماید بلکه تمام گزینه های احتمالی را نیز در آینده مورد نظر قرار دهد.

مهمترین تصمیم و موافقتنامه امضا شده در خصوص تقسیم دریای خزر و رژیم حقوقی آن در آخرین نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر اتخاذ شد و به موجب آن عرض منطقه حاکمیت ملی (دریای سرزمینی) به میزان ۱۵ مایل دریایی و عرض منطقه انحصاری ماهیگیری به میزان ۱۰ مایل (در مجموع ۲۵ مایل) تعیین شد. بر همین اساس ما بقی دریا به عنوان "پهنه مشترک" بین ۵ کشور ساحلی تلقی می گردد. این در واقع قبول پیشنهاد روسیه در سال های گذشته و به نوعی بستر سازی برای تعیین دیگر جنبه های حقوقی دریا در آینده است. توافق بر سر میزان دریای سرزمینی و همچنین منطقه بهره برداری انحصاری برای کشور ساحلی، اقدامی بی بازگشت است. بدین ترتیب تکلیف دریا تا ۲۵ مایلی مشخص شده است و توافقات آینده منحصر به پهنه مشترک خواهد بود. در خصوص پهنه مشترک سه راه حل وجود دارد. یک- تاکید بر حفظ پهنه مشترک و بهره برداری از آن بر اساس معاهده های بین المللی. دو- پیگیری تقسیم پهنه مشترک که منجر به تقسیم کل دریای خزر بین کشورهای ساحلی خواهد شد. سه- افزایش عرض منطقه حاکمیتی و عرض منطقه انحصاری ماهیگیری و بهره برداری اقتصادی.



با تاکید بر حفظ پهنه مشترک؛ آبهای ورای ۲۵ مایلی دریا به عنوان آبهای آزاد تلقی شده و بهره برداری اقتصادی مشترک خواهد بود. در این شرایط اقدام کشورهای دیگر - به ویژه آذربایجان و ترکمنستان که در حال استخراج نفت از مناطق خارج از حد ۲۵ مایلی هستند - کاملاً مجاز و توجیه پذیر است. در این شرایط به احتمال قریب به یقین کشورهای آذربایجان؛ ترکمنستان؛ روسیه و قزاقستان با توجه به امکان تداوم بهره برداری از منابع نفتی در تعیین سایر جنبه های حقوقی دریای خزر عجله ای نخواهند داشت. بدین ترتیب توان گفت که این کشورها به آنچه که می خواستند در توافقنامه آستاراخان دست یافتند. و دیگر نیازی به طرح موضوع تقسیم منابع بستر و زیر دریا ندارند.

اما اگر ایران تصمیم بگیرد حفاظت از منافع ملی را از طریق تقسیم پهنه مشترک و یا افزایش عرض منطقه حاکمیتی و عرض منطقه انحصاری ماهیگیری و بهره برداری اقتصادی، پیگیری نماید؛ با کار دشواری مواجه خواهد بود زیرا با توافق انجام شده در خصوص دریای سرزمینی (۱۵ مایل) و منطقه ماهیگیری انحصاری (۱۰ مایل) و تعیین مابقی دریا به عنوان پهنه مشترک تکلیف بهره برداری ها از منابع کف تا حدود زیادی روشن است. منافعی که ایران از آن هیچ بهره ای نمی برد ولی سایر کشورهای ساحلی در حال بهره برداری حداکثری از آن هستند.

همچنین باید اذعان نمود که با توجه به اینکه ۴ کشور دیگر ساحلی دریای خزر در حال بهره برداری از منابع نفتی دریا هستند و برای ایران نیز در کوتاه مدت امکان استفاده از منابع نفتی دور از سواحل خود وجود ندارد، بهترین حالت پافشاری بر حفظ سهم ایران از منابع غیرنفتی و نفتی سطح و بستر دریا است. و این هدف تنها از طریق تقسیم سطح و بستر دریا و البته با پافشاری بر سهم حداکثری از دریا فراهم می شود. در این وضعیت منابع موجود در بستر و سطح به عنوان بخشی از سرزمین قابلیت حفاظت برای نسل های آینده را پیدا خواهد نمود. در اتخاذ این تصمیم باید توجه نماییم که برای ایران استخراج منافع نفتی شمال به علل مختلف از جمله وجود منافع نفتی جنوب، غیر اقتصادی بودن منابع شمال و ... فعلاً اولویت ندارد. طبیعی است که اصل حق کشتی رانی و عبور بی ضرر از آب های آزاد می تواند منافع همه کشورهای ساحلی و از جمله ایران را تامین نماید و ایران نباید از تقسیم سطح و بستر دریا نگرانی داشته باشد. نگرانی ایران باید این باشد که در آینده دیگر کشورهای ساحلی برای بهره برداری نفت به سواحل ایران نزدیک شوند و ایران به خاطر پذیرش حق مشترک در بهره برداری از سطح و بستر فراتر از ۲۵ مایلی نتواند ممانعتی اعمال نماید. این پیشنهاد با توجه به این که ماهی ها و منابع خاویاری که در سطح دریای خزر به طور عمده در جنوب خزر و سمت ایران قرار دارند نیز، مفید بوده و شرایط بهتری برای بهره برداری ایران از این منبع ثروت نیز فراهم می نماید. نکته قابل توجه این است که در جهان سیاسی موجود، دستیابی به درصد مالکیت بیشتر الزاماً به معنای دستیابی به منافع ژئوپلیتیکی بیشتر نیست. در خصوص مبارزه با آلودگی نیز باید هر کشور متناسب با میزان آلودگی ایجاد شده در سواحلش، متعهد به تامین هزینه ی پاکسازی و جلوگیری از ایجاد آلودگی باشد.

## منابع و مآخذ

- ۱- آقایی، بهمن، مجموعه مقالات حقوق بین الملل دریاها و مسایل ایران، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۴۴
- ۲- اشرافی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان رژیم حقوقی دریای خزر
- ۳- احمدی پور، زهرا؛ ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتو ژئوپلیتیک جدید منطقه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۴۳، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴۰
- ۴- امیراحمدی، هوشنگ؛ چالش های منطقه خزر، ترجمه ی سلاله حبیبی، مجموعه مقالات خزر در یک نگاه، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات دریای خزر، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶
- ۵- بوداغ، بوداغ اف؛ دریای خزر دریا است یا دریاچه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۴، دوره ۲، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۲۰
- ۶- تقوی اصل، سیدعطا؛ ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، صص ۲۲۶، ۲۲۵
- ۷- حاج سید جواد، کمال؛ فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. تابستان ۱۳۷۵
- ۸- میر حیدر، دره (۱۳۸۱)؛ ژئوپلیتیک منطقه خزر: تغییر و تداوم، کتاب خزر در یک نگاه، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات خزر، ۱۴
- ۹- شریفیان، جمشید؛ تحدید حدود دریای خزر، گفتگویی از وضعیت حقوقی آن، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۳، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷
- ۱۰- طاهری شمیرانی، صفت الله؛ نظام حقوقی بهره برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر، تهران، سیاست خارجی، س ۱۳، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸، ص ۴۵۸
- ۱۱- طلایی، فرهاد؛ وضعیت حقوقی دریای خزر یک ضرورت برای رژیم حقوقی جدید و فراگیر، ترجمه محمد مهدی کریمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۸
- ۱۲- عبدی، مهدی، رژیم حقوقی دریای خزر، پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر، ۱۳۹۰
- ۱۳- فرزین نیا، زبیا؛ اختلافات سیاسی معاصر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، ۱۳۸۵، ص ۲۱
- ۱۴- قبادزاده، ناصر؛ خزر، رژیم حقوقی و مواضع کشورهای ساحلی و نقش آمریکا در منطقه در گفت و گو با کارشناسان (دکتر کولایی، دکتر مجتهدزاده، دکتر صفری، دکتر باوند و دکتر مولایی)، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸
- ۱۵- لو، آن؛ و چرچیل، رابین؛ حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷، ص ۵۵
- ۱۶- ممتاز، جمشید؛ وضعیت حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۲۳
- ۱۷- مولایی، یوسف؛ دریای کاسپین و حاکمیت ایران، بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی، س ۲، ش ۳، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۲۴

- ۱۸- میرمحمدصادقی، محسن؛ رژیم حقوقی دریای خزر از لحاظ حقوق بین‌الملل و معاهدات فیما بین ایران و شوروی سابق، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷
- ۱۹- میرفخرایی، سیدحسن؛ رژیم حقوقی دریای خزر؛ واگرایی تا همگرایی، پژوهش حقوق و سیاست، بهار و تابستان، ۱۳۸۳، صص ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۸
- ۲۰- نوربان، محمداسماعیل؛ نگرش‌های متفاوت درباره رژیم حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵
- ۲۱- هرمیداس باوند، داود؛ رژیم حقوقی دریای خزر، نگاهی به ابهام زیست محیطی و امنیتی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۶، ۱۳۸۷، ص ۳۰
- ۲۲- یزدانی، مجید؛ رژیم حقوقی حاکم بر دریاهاى بسته با نگرش بر دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵

۲۳- [www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)

۲۴- [www.baaser.ir](http://www.baaser.ir)

۲۵- [www.farsnews.com/printable.php](http://www.farsnews.com/printable.php)

۲۶- [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)

۲۷- [www.iras.ir](http://www.iras.ir)

۲۸- [www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)

۲۹- [www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)

۳۰- [www.irani.at](http://www.irani.at)

۳۱- [www.tarabaranmag.ir](http://www.tarabaranmag.ir)

۳۲- [www.magiran.com](http://www.magiran.com)

۳۳- [www.shomalnews.com/view](http://www.shomalnews.com/view)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی